



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - بررسی ادله عدم حجیت خبر واحد - بررسی  
دلیل دوم - کلام محقق بروجردی - جمع بندی - دلیل سوم: اجماع - بررسی دلیل سوم - اشکالات محقق خراسانی  
سال شانزدهم  
تاریخ: ۱۳ آبان ۱۴۰۳  
مصادف با: ۱ جمادی الاولی ۱۴۴۶  
جلسه: ۳۰

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم نسبت به روایات مورد استناد منکرین حجیت خبر واحد، اعلام و بزرگان اشکالاتی را مطرح کرده اند. ما نظر محقق خراسانی، محقق خوبی را بیان کردیم. لکن در مقام ارزیابی سخن محقق خراسانی، محقق خوبی عرض کردیم پاسخ آنها فی الجمله قابل قبول است لکن جامع همه طوائف روایات نیست.

البته یک راه حل کلی این است که ما روایات مطلقه را حمل بر فرض تعارض کنیم، لکن اگر این راه را نپذیریم بالاخره نسبت به برخی طوائف باید یک پاسخی ارائه دهیم،

یکی از طوائفی که مورد استناد قرار گرفته است روایتی است که خطاب به اباعمر و بود، روایتش را خواندیم که در آن این جمله آمده بود «ما علمتم انه قولنا فالزموه» در مورد این طائفه محقق بروجردی یک بیان خاصی را ذکر کرده اند.<sup>۱</sup>

#### کلام محقق بروجردی

ایشان می فرماید این روایت اگر مربوط به صدور خبر واحد باشد برای ما مشکل درست می کند. معنای اینکه مربوط به صدور باشد یعنی اینکه اگر شما یقین دارید خبری از ما صادر شده است پس پیروی کنید، خودتان را ملزم به آن بدانید، ولی اگر یقین ندارید از ما صادر شده است «ردوها الینا». طبق این احتمال روایت مذکور در مقابل ادله حجیت خبر واحد مانع درست می کند، زیرا بر اساس ادله حجیت خبر واحد اگر خبری از ناحیه یک راوی ثقه نقل شد، حجت است، هر چند یقین به صدور آن روایت پیدا نشود، این مفاد و مضمون ادله حجیت خبر واحد است.

پس نتیجه ادله حجیت خبر واحد این است که اگر خبری توسط ثقه ای نقل شد حجت است هر چند یقین به صدور آن، از ما نباشد. یعنی با اینکه ظن به صدور دارید ولی چون ثقه ای آن را نقل کرده شما کاری نداشته باشید این برای شما معتبر است. در مقابل اگر ما این جمله را که امام فرمود «ما علمتم انه قولنا» به این معنا بگیریم که آنچه شما یقین دارید که از ما صادر شده، حتماً آن را قبول کنید و الا به ما برگردانید. (یعنی تا زمانی که یقین به صدور پیدا نکردید از آن خبر نباید پیروی کنید) آنگاه در برابر ادله حجیت خبر واحد قرار می گیرد.

<sup>۱</sup> حاشیه کفایه، ج ۲، ص ۱۰۲.

اما یک احتمال دیگری هم هست که می تواند به عنوان توجیه در مقابل منکران مطرح شود و آن این است که منظور امام (ع) این است که آنچه را که یقین دارید که از ماست، یعنی مطلب روشن است، واضح است، اجمال و ابهامی ندارد، مشکلی در آن وجود ندارد، این را بپذیرید و تبعیت کنید، ولی در مورد اموری که مشکل است، در اموری که نیاز به توضیح دارد، فهمش به سادگی میسر نیست، آن را به ما برگردانید که ما برای شما توضیح دهیم.

طبق این احتمال اساساً ادله حجیت خبر واحد کاری به صدور ندارد، عبارت محقق بروجردی این است «فانه يمكن كون المنقول الى السائل الذي اختلف فيه، من الامور المشكله التي لا يعرفه السائل بمجرد سماع الالفاظ من الناقل بل يحتاج العلم بحقيقتها الى بيان من يعرفها حق المعرفة» گاهی ممکن است آنچه که نقل شده و در آن اختلاف دیده می شود از امور مشکله ای باشد که سائل با شنیدن الفاظ و کلمات آن چیزی سر در نمی آورد. یک وقت آنچه را که می شنود می فهمد و یک وقت نمی فهمد زیرا مطلب سخت و سنگین است؛ منظور امام این است که آن چیزهایی که می فهمید به آن عمل کنید ولی مطالب سنگین را که نمی فهمید به ما برگردانید تا ما برای شما توضیح دهیم.

بنابراین امام هادی (ع) اساساً با نمی خواهد بگوید اگر یقین به صدور یک خبری داشتید آن را قبول کنید و اگر نداشتید به ما مراجعه کنید، اصلاً کاری به صدور ندارد بلکه کار به محتوا و مضمون دارد. علت اینکه امام (ع) این را فرموده این است که در آن زمان گاهی مطالب اعتقادی از سوی ائمه (ع) نقل می شد که فهمش برای بسیاری از مردم یا عده ای از مردم سخت بود، مثل قضا و قدر، جبر و تفویض، ذات خداوند، توحید. منظور امام این است که اگر در مسائل اعتقادی و مسائلی که مشکل است، شما نفهمیدید مطلب را، به ما رجوع کنید ولی اگر فهمیدید دیگر مشکل و محذوری ندارد.

این هم احتمالی است که چه بسا شرایط خاص آن دوران به نوعی مساعد این احتمال باشد.

### جمع بندی

ما تا اینجا سه یا چهار طائفه از روایات را بررسی کردیم.

ما یک دسته بندی کلی کردیم و یک جواب کلی دادیم. گفتیم این روایات یا مربوط به خبرین متعارضین است یا مطلق است. اگر مربوط به خبرین متعارضین باشد دیگر دلیل بر عدم حجیت خبر واحد نمی شود. مطلقاً این روایات را نیز حمل می کنیم بر فرض تعارض، بنابراین به کلی مسئله حل می شود، دیگر خبری که دال بر عدم حجیت خبر واحد باشد نداریم.

لکن اگر بخواهیم این را قبول نکنیم و موردی بخواهیم پاسخ دهیم میگوییم برخی از این طوائف قطعاً مربوط به فرض تعارض است زیرا صحبت از «حدیثان مختلفان» است، اینکه دو مطلب از شما نقل شده است اینها نوعاً به فرض تعارض نظر دارد. ولی غیر از اینها، همین روایتی که محقق بروجردی به آن پاسخ دادند، این یک راه است.

یک طائفه دیگر روایاتی است که می گوید اگر روایتی از شما به ما رسید و موافق با کتاب و سنت بود آن را اخذ کنید. این غیر از زخرف و باطل است، آن روایات دلالت بر زخرف و باطل بودن خبر مخالف با قرآن داشت ولی اینجا صحبت از موافقت است، می گوید آنچه که موافق قرآن است را اخذ کنید یا آنچه که موافق سنت رسول خداست را اخذ کنید و غیر آن را کنار بگذارید. این طائفه نیز پاسخ آن از مطالب پیش گفته معلوم و واضح می شود.

فتحصل مما ذكرنا كله که دلیل دوم از ادله قائلین به عدم حجیت خبر واحد مردود است. آنها به برخی روایات استناد کردند برای عدم حجیت خبر واحد که پاسخ همه آنها داده شد.

سوال:

استاد: ما گفتیم آن اخباری که مربوط به صورت تعارض است، خود شاهد بر حجیت است نه عدم حجیت، زیرا تعارض جایی است که دو خبر حجت باشند، تعارض بین دو حجت پیش می آید نه یک حجت و یک لا حجت. یعنی دو خبر که شرایط حجیت در هر دو است، منتهی با هم تعارض دارند، تناقض دارند به نحوی که می گوئیم نمی شود هر دو از امام صادر شده باشد با این حال می گوئیم هر دو واحد شرایط حجیت هستند و این خودش بهترین شاهد بر این است که این اخبار دال بر عدم حجیت نیست.

### بررسی دلیل سوم اجماع

عرض کردیم برخی ادعای اجماع کرده بودند بر عدم حجیت خبر واحد، از جمله سید مرتضی. محقق خراسانی چند اشکال کردند به این دلیل؛

### اشکالات محقق خراسانی

اولاً: اگر منظورتان اجماع محصل است، این قطعاً غیر حاصل، ما اصلاً چنین اجماع محصلی بر عدم حجیت خبر واحد نداریم، قائلین به عدم حجیت بسیار قلیل هستند، یعنی شاید عدد منکران حجیت خبر واحد از عدد انگشتان دست بیشتر نباشند و با وجود چنین مسئله ای چطور ادعای اجماع می کنید، بلکه مخالفان اینها و قائلین به حجیت خبر واحد بیشتر از مخالفان هستند.

ثانیاً: اگر منظورتان اجماع منقول باشد اینکه حجت نیست تا بخواهد به عنوان دلیل قرار بگیرد.

ثالثاً: تازه اگر هم حجت باشد تالی فاسد پیش می آید؛ چون کسی که می گوید اجماع منقول حجت است، ادعای حجیت اجماع منقول از چه راهی ثابت می شود؟ از طریق حجیت خبر واحد. اگر مثلاً سید مرتضی ادعای اجماع بکند او یک نفر است، دارد نقل می کند اجماع علماء را، به چه دلیل ادعای سید مرتضی مبنی بر اجماع علماء پذیرفته شود؟ مثل اینکه شما بیابید در این جمع اعلام کنید که همه علماء اینچنین گفتند، سخن شما برای این جمع می شود خبر واحد، حال اگر تقه باشید می شود خبر واحد تقه، وقتی شما می گوئید همه علماء اینچنین گفته اند اگر بخواهد این ادعای اتفاق و اجماع توسط شما معتبر باشد و حجت باشد حتماً باید خبر واحد حجت باشد، زیرا غیر از حجیت خبر واحد چیز دیگری نمی تواند این ادعای اتفاق و اجماع، توسط شما را معتبر کند.

پس شما در واقع دارید ادعای اجماع بر عدم حجیت خبر واحد می کنید در حالیکه خود اجماع به وسیله حجیت خبر واحد باید معتبر شود. اجماع منقول باید اعتبارش را از خبر واحد بگیرد. اگر خبر واحد حجت باشد این ادعای اجماع پذیرفته می شود، حال شما آمدید می گوئید اجماع داریم بر عدم حجیت خبر واحد، این محال است. دارید ادعایتان را بر پایه ای استوار می کنید در حالیکه مدعای شما نفی آن پایه است.

رابعاً: بر فرض اجماع منقول حجت هم باشد و این محذور و مشکلی هم که اشاره شد نداشته باشد باز یک مشکل جدی اینجا وجود دارد و آن هم وجود معارض با این اجماع است، یعنی همانطوری که اینها ادعای اجماع بر عدم حجیت خبر واحد کرده اند

در مقابل بسیاری ادعای اجماع بر حجیت خبر واحد کردند. پس این ادعا در واقع معارض دارد و با وجود این معارض دیگر به این ادعا نمی شود توجه کرد.

خامسا: محقق خراسانی می فرماید «و موهن بذهاب المشهور الی خلافه» یک شهرت فتوایی قوی بر حجیت خبر واحد وجود دارد و با وجود این شهرت فتوایی، دیگر ادعای اجماع بر عدم حجیت پذیرفتنی نیست، این خیلی واضح است که اگر ما اجماع منقول نداشته باشیم قطعا شهرت بر حجیت داریم. پس ادعای اجماع نیز کنار می رود.

### **بحث جلسه آینده**

اینجا محقق نایینی یک مطلبی دارند که آن را بیان خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین»